

بررسی عوامل بازدارنده موثر بر میزان شرکت معلمان زن مقاطع سه گانه تحصیلی در فعالیت های ورزشی شهر مرند

جعفر قهرمانی^۱، مهرداد محرم زاده^۲، شیدا سعیدی^{۳*}

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱)

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل بازدارنده موثر بر میزان شرکت معلمان زن مقطع سه گانه تحصیلی در فعالیت‌های ورزشی شهر مرند به منظور ارائه راهکارهای مناسب می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی - توصیفی بوده و به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان زن مقاطع سه گانه تحصیلی شهر مرند در سال ۱۳۹۱ به تعداد ۴۹۱ نفر می‌باشد. ۲۱۵ نفر با استفاده از جدول مورگان به صورت نمونه گیری تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه استاندارد عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی با پایایی $\alpha = 0/87$ و پرسشنامه مربوط به مشخصات فردی پاسخگویان می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی ضریب همبستگی اسپیرمن، کروسکال والیس و خی دو استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین عوامل بازدارنده و خرده مقیاس‌های روانشناختی ($p \leq 0/01$, $r = -0/192$)، اجتماعی و فرهنگی ($p \leq 0/01$, $r = -0/240$)، مدیریتی ($p \leq 0/05$, $r = -0/177$) و اماکن و تجهیزات ($p \leq 0/01$, $r = -0/169$) با میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بین خرده مقیاس شخصی ($p \geq 0/01$, $r = -0/065$) و اقتصادی و مالی ($p \geq 0/05$, $r = 0/075$) با میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین بین نظرات معلمان زن مقاطع سه گانه تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) در میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و عوامل بازدارنده مشارکت تفاوت معناداری وجود ندارد. بین میزان مشارکت ورزشی و سابقه ورزشی با سن، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی ارتباط معناداری وجود ندارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش تنوع عوامل بازدارنده، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کاهش می‌یابد و از شرکت بانوان معلم در ورزش جلوگیری می‌کند، لذا توجه مسئولین امر نسبت به کاهش این عوامل با استفاده از برنامه‌های هدفمند و سیاست‌گذاری اصولی می‌تواند مشارکت زنان را در فعالیت ورزشی هموار نموده و موجبات توسعه و رشد جامعه را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

معلمان زن، مشارکت ورزشی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی و مالی.

۱. استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه ارومیه

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

مقدمه

تربیت بدنی^۱ یک پدیده انسانی است و ابزاری موثر برای پرورش جسم و ارتقاء فرهنگی، تربیت و اخلاق است و می تواند زمینه ساز هویت ملی باشد. پس به این خاطر جایگاه تربیت بدنی و ورزش در بند سوم از اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده است. این اصل دولت را به فراهم آوردن موقعیتی که همه افراد و در تمامی سطوح بتوانند از تربیت بدنی رایگان برخوردار باشند، موظف نموده است. باید توجه کرد که جامعه، زمانی قادر خواهد بود راه ترقی را طی کند و به پیشرفت و سربلندی برسد که متشکل از افرادی سالم، فعال و کارآمد باشد. برای این که کلیه افراد جامعه بتوانند بدنی سالم داشته باشند و با افزایش سن دچار فقر حرکتی و کم حرکتی و از کارافتادگی نشوند، نیاز است تا در مراحل مختلف زندگی به طور موثر و مطلوب از آمادگی جسمانی در حد اولیه برخوردار باشند (صفری ۱۳۸۰). با توجه به این که نیمی از جمعیت کشورمان را زنان تشکیل می دهند و به اذعان همه روانشناسان اجتماعی و کارشناسان امر، جامعه‌ی سالم بر پایه خانواده‌ی سالم بنا نهاده می شود و رکن اصلی خانواده را نیز زنان و مادران تشکیل می دهند و با توجه به گسترش روزافزون اختلالات روانی در جامعه بخصوص در میان بانوان که از طرفی مادران این سرزمین به شمار می روند ممکن است به علت احساس مسئولیت بیشتر نسبت به افراد خانواده، استرس‌های^۲ خاص شغلی و مسائل دیگر، تحت فشارهای روانی زیادی قرار گرفته و در معرض آسیب‌های روحی و جسمی قرار گیرند. از طرفی دیگر، بیماری‌ها و عوارض حاصل از آن موانع موثر بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی محسوب می گردد، چرا که زنان از ساختار فیزیکی ظریف تری برخوردار بوده و احتمال

مخاطرات بیشتری را در مقابله با بی تحرکی و کم کاری دارند. کمترین احتمال، خطر پوکی استخوان به عنوان یک عارضه شایع در زنان است. که سبب کاهش استخوان سازی و کمتر به فعالیت و داشتن بدنشان می شود. در نتیجه پس انداز استخوانی کمتر سبب آمادگی آنان برای شکنندگی بیشتر استخوان‌ها در سنین میانسالی و بزرگسالی می گردد (خدادی ۱۳۸۷). با توجه به نقشی که بانوان در ساختار اجتماعی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی دارا می باشند لازم است که از سلامت جسمانی و روانی کامل برخوردار باشند. این امر از طریق تدوین و تدارک برنامه‌های سنجیده مسئولین و مشارکت مردمی حاصل و مفید واقع می گردد. صرف ساعت‌ها وقت برای آموزش و فهماندن مطالب علمی و درسی به دانش آموزان از مهم ترین و اصلی ترین کار معلمان است که نه تنها آمادگی روحی و روانی خاصی را می طلبد بلکه برای پایداری در مقابله با مشکلات و تنش‌های خاص شغل معلمی نیاز به آمادگی جسمانی به خوبی احساس می شود (باقرزاده ۱۳۸۱). تحقیقات و مشاهدات علمی بیانگر این است که بانوان در آمادگی‌های جسمانی، وضعیت قامت از سطح نامطلوبی برخوردار هستند. و با توجه به حفظ ارزش‌های اسلامی و ملاحظات فرهنگی محدودیت حرکتی مضاعفی نسبت به آقایان دارند. کارشناسان معتقدند فقدان فعالیت بدنی و ورزشی موجب رشد نیافتن و تضعیف کشش کلیه عضلات ناحیه شکم می شود که خود عامل اصلی در دردهای پشت به دنبال بارداری است بر اساس تحقیقات انجام گرفته، برخی ناهنجاری‌ها و ضعف‌های عضلانی در بانوان رقم بالایی را به خود اختصاص داده به طوری که افتادگی شانه ۵۶/۲۵٪، انحنای کمر ۳۷/۵٪ و انحنای سر ۳۱/۲۵٪ است (نادریان ۱۳۸۸). مطالعات انجام شده نشان می دهد برخی از موانعی^۳ که بر شرکت زنان در فعالیت‌های

1. physical Education
2. Stress

3. Barriers

وزن خود را کم می‌کنند قند خون، کلسترول، تری گلیسیرید و فشار خون پائین تری نسبت به زنان غیر ورزشی دارند. آنها شادتر هستند و معتقدند که انرژی بیشتری دارند و احساس سلامتی خوبی دارند. کلمن^۵ (۲۰۰۸) در تحقیقی که بر روی زنان و دختران جوان در دو منطقه مشخص انگلستان انجام دادند نشان دادند که عوامل خودآگاهی، انتخاب فعالیت‌های شخصی، برقراری ارتباط و حمایت دوستان و خانواده، عوامل موثری در شرکت آنان در فعالیت‌های بدنی می‌باشد که حمایت دوستان به عنوان عامل موثر بیش از عوامل دیگر در نظر گرفته شده است. لیچتی و زابریسکی^۶ (۲۰۰۹) در پژوهشی که بر دختران کالج و مادرانشان انجام شد تصویر ذهنی و باور آنها در مورد ظاهرشان و رابطه آن با عوامل بازدارنده از مشارکت در ورزش را مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که تصویر ذهنی این زنان از خود و از نوع ظاهر بدنی خویش عامل بازدارنده‌ی ایشان از مشارکت در ورزش است. وال ست^۷ (۲۰۱۰) در پژوهش خود که به نقش اعتقادات مذهبی در مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی پرداخته نشان داده است که بعضی از زنان مسلمان ورزش را امری مردانه می‌دانند و در آن مشارکت نمی‌کنند. اما دسته‌ای از زنان مسلمان که هم به مذهب و هم به جنبه کسب سلامت بدن در اسلام توجه دارند، بسیار جدی و علاقمند در ورزش شرکت می‌کنند. اسوریکار و مایر^۸ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی انواع مشارکت ورزشی و تفریحی در زنان هند در مقایسه با زنان سراسر استرالیا پرداخته‌اند نشان می‌دهند که زنان هندی و سایر اقلیت‌های قومی در مقایسه با زنان استرالیایی به دلیل محرومیت اجتماعی و فرهنگی فرصت شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی را ندارند که محققان نشان می‌دهند که با ترویج

ورزشی^۱ اثر می‌گذارد بیماری‌ها و عوارض حاصل از آن است. چرا که زنان از ساختار فیزیکی ظریف تری برخوردار بوده و احتمال خطرات بیشتری را در مقابله با بی‌حرکتی و کم‌کاری دارند. پوکی استخوان به عنوان یک عارضه شایع در زنان است که باعث کمتر پرداختن به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی می‌شود (هاشمی ۱۳۸۵). همچنین نتایج تحقیقات میرزاخانی با عنوان "وضعیت مشارکت بانوان شهرستان شازند" نبود فضاهای ورزشی و تفریحی ویژه بانوان، مشکلات مالی خانواده‌ها، اولویت ندادن ورزش در برنامه روزانه، فعال نبودن واحد تربیت بدنی اداره آموزش و پرورش شهرستان را مهم‌ترین دلایل شرکت نکردن بانوان معلم در فعالیت‌های ورزشی ذکر می‌کند (میرزاخانی ۱۳۸۷). نادریان در پژوهشی که به بررسی رابطه انگیزه با موانع مشارکت در زنان شهر اصفهان پرداخت نشان داد دو عامل مشکلات فردی و روانی مانند نداشتن آمادگی روحی و روانی برای انجام ورزش، نداشتن آمادگی جسمانی لازم، نداشتن مهارت لازم، ترس از آسیب دیدن و غیره و همچنین نداشتن دسترسی به امکانات را از عوامل عمده انگیزشی در موانع مشارکت ورزشی بانوان ذکر کرد (نادریان ۱۳۸۸).

بوش^۲ (۲۰۰۱) در مقاله خود اشاره دارد زنانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، به طور کلی اعتماد به نفس بالایی دارند و مریدان آنها می‌گویند که آنها افرادی اجتماعی‌تر هستند و کمتر خجالتی و گوشه‌گیر هستند. فلانگان^۳ (۲۰۰۲) در پروژه تحقیقی خود اظهار می‌دارد که حدود یک سوم از ورزشکاران دانشگاه را زنان تشکیل می‌دهند. با این وجود آنها کمتر از ۲۶٪ بودجه ورزشی دانشگاه را به خود اختصاص می‌دهند. هابگود^۴ (۲۰۰۵) در مقاله پژوهشی خود اشاره می‌کند که زنانی که با ورزش

5. Kelman
6. Lichti & Zaberkeski
7. Wal set
8. Asorikar & Maier

1. Sport Activity
2. Bush
3. Flangan
4. Hoppgod

و تنوع فرهنگی و اجتماعی در ورزش بطور قابل توجهی می‌توان باعث تحریک علاقه و مشارکت زنان هندی و دیگر مهاجران شد.

با توجه به مشکلات و معضلاتی که به آن‌ها اشاره شد برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های ورزشی بانوان معلم از دیدگاه‌های مختلف باید از ظرافت و روش ویژه‌ای برخوردار باشد که در این زمینه تحقیقاتی را به طور بنیادی می‌طلبد. چرا که پرداختن مو شکافانه به مشکلات و موانع ورزشی بانوان معلم می‌تواند در برنامه‌ریزی و توجه بیشتر به نیازهای آنان موثر باشد. برای تغییر ساختار برنامه‌ها، به منظور کاستن از نابرابری‌ها و محو موانع و گسترش تسهیل شرکت تمام افراد بدون توجه به جنسیت، وجود سیستم مدیریتی قوی و متعهد ضروری است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی عوامل بازدارنده بر مشارکت زنان، علی‌الخصوص معلمان زن گام موثری در جهت بهبود وضعیت ورزشی معلمان زن بردارد. لذا گروه تحقیق، نقاط قوت و ضعف ورزش بانوان معلم را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد و در جهت پاسخگویی به سوالات زیر است.

- ۱- عوامل بازدارنده بر میزان مشارکت معلمان زن کدامند؟
- ۲- آیا ارتباطی بین میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم و عوامل دموگرافیکی آنان وجود دارد؟

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های این پژوهش و به منظور تحقق اهداف مطرح شده، این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه معلمان زن مقاطع سه گانه تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) شهر مرند تشکیل می‌دهند. منظور از معلمان کلیه افرادی هستند که به صورت رسمی، پیمایشی و یا قراردادی و حداقل با یک سال سابقه کاری در استخدام آموزش و پرورش می‌باشند.

تعداد جامعه آماری در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ بر اساس آمارهای رسمی در هر سه مقطع تحصیلی ۴۹۱ نفر می‌باشد. ۲۱۵ نفر بر اساس جدول مورگان به عنوان نمونه آماری با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه استاندارد عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی با ۲۸ گویه بسته پاسخ شامل شش خرده عامل شامل عوامل شخصی، عوامل روانشناختی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل مدیریتی و عوامل اماکن و تجهیزات می‌باشد. که بر اساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد ارزش گذاری می‌شود. پایایی پرسشنامه مذکور با روش آلفای کرونباخ $\alpha=0/87$ محاسبه گردید. که میرزاخانی (۱۳۸۷) پایایی این پرسشنامه را $\alpha=0/86$ گزارش کرده است. دومین پرسشنامه مربوط به مشخصات فردی پاسخگویان می‌باشد که متغیرهای سن، رشته تحصیلی، میزان سابقه ورزشی پاسخگویان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی برای خلاصه کردن و طبقه بندی داده‌های خام و محاسبه میانگین، فراوانی داده‌ها، انحراف معیار و رسم جداول و نمودارها، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون کروسکال والیس و آزمون خی دو استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان می‌دهد که ۳۳/۰۳٪ از آزمودنی‌ها در مقطع متوسطه، ۲۴/۱۸٪ مقطع راهنمایی و ۴۲/۷۹٪ در مقطع ابتدایی تدریس می‌کنند. ۵۹/۵٪ از آزمودنی‌های در گروه سنی بالای ۳۵ سال، ۲۶٪ در گروه سنی ۳۱-۳۵، ۸/۹٪ در گروه سنی ۲۶-۳۰ و ۵/۵٪ در گروه سنی کمتر از ۲۵ سال قرار دارند. ۶۲/۷٪ از آزمودنی‌ها در رشته علوم انسانی، ۳۰/۷٪ علوم پایه، ۳/۸٪ رشته فنی و حرفه‌ای و ۲/۸٪ در رشته فنی و مهندسی

تحصیل نموده‌اند. ۲/۸٪ از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم ۳۱/۵٪ فوق دیپلم، ۶۱٪ لیسانس، ۴/۷٪ بالاتر از فوق لیسانس می‌باشند. ۶۹/۸٪ کمتر از ۳ سال، ۸/۴٪

۳-۵ سال، ۸/۴٪ ۵-۷ سال و ۱۳/۵٪ بیشتر از ۷ سال سابقه فعالیت ورزشی دارند.

جدول ۱. ارتباط بین عوامل بازدارنده و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بانوان معلم

| متغیر | شاخص | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|--|------|-------|--------------|---------------|
| عوامل بازدارنده و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۲۴۷ | * ۰/۰۰۱ |
| عوامل شخصی و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۰۶۵ | * ۰/۳۴۶ |
| عوامل روانشناختی و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۱۹۲ | * ۰/۰۰۵ |
| عوامل فرهنگی و اجتماعی و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۲۴۰ | * ۰/۰۰۱ |
| عوامل مالی و اقتصادی و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۱۲۲ | ** ۰/۰۷۵ |
| عوامل مدیریتی و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۱۷۷ | ** ۰/۰۰۹ |
| عوامل امکانات و تجهیزات و میزان مشارکت | | ۲۱۵ | -۰/۱۶۹ | ** ۰/۰۱۳ |

*** (p < ۰/۰۵) ، ** (p < ۰/۰۱)

مشارکت و کمترین همبستگی مابین عوامل امکانات و تجهیزات و میزان مشارکت می‌باشد. بین عوامل شخصی و عوامل مالی و اقتصادی با میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود ندارد.

بر اساس نتایج حاصل از جدول (۱) ارتباط منفی و معنی داری بین عوامل بازدارنده، عوامل روانشناختی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل مدیریتی و عوامل امکانات و تجهیزات با میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. بیشترین همبستگی مابین عوامل بازدارنده و میزان

جدول ۲. تفاوت بین بانوان معلم مقاطع سه گانه (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) نسبت به عوامل بازدارنده مشارکت فعالیت‌های ورزشی

| متغیر | شاخص | Chi-square | df | Sig |
|--|------|------------|----|-------|
| عوامل بازدارنده و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۰/۶۰۴ | ۲ | ۰/۷۳۹ |
| عوامل شخصی و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۳/۲۸۶ | ۲ | ۰/۱۹۳ |
| عوامل روانشناختی و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۰/۳۳۹ | ۲ | ۰/۸۴۴ |
| عوامل اجتماعی و فرهنگی و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۰/۵۹۰ | ۲ | ۰/۷۴۵ |
| عوامل مالی و اقتصادی و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۰/۳۶۲ | ۲ | ۰/۸۳۴ |
| عوامل مدیریتی و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۵/۰۱۴ | ۲ | ۰/۰۵۸ |
| عوامل امکانات و تجهیزات و مقاطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) | | ۳/۸۳۵ | ۲ | ۰/۱۴۷ |

عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس (جدول ۲) نشان می‌دهد که بین معلمان زن مقاطع سه گانه تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) شهر مرند در هر یک از

جدول ۳. ارتباط بین میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم و عوامل دموگرافیکی (سن، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی)

| متغیر | شاخص | df | X ² | sig |
|----------------------------|------|----|----------------|-------|
| سن و میزان مشارکت | | ۹ | ۷/۸۴۵ | ۰/۵۱۷ |
| رشته تحصیلی و میزان مشارکت | | ۹ | ۱۲/۱۷۲ | ۰/۲۰۸ |
| مدرک تحصیلی و میزان مشارکت | | ۹ | ۷/۶۰۷ | ۰/۵۰۴ |

فعالیت‌های ورزشی با سن، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی بانوان معلم ارتباط معنی داری وجود ندارد.

نتایج حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد که بر اساس X² (خی دو) محاسبه شده بین میزان مشارکت در

جدول ۴. ارتباط بین میزان سابقه ورزشی بانوان معلم و عوامل دموگرافیکی (سن، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی)

| متغیر | شاخص | df | X ² | sig |
|----------------------------|------|----|----------------|-------|
| سن و سابقه مشارکت | | ۹ | ۵/۴۱۹ | ۰/۷۹۶ |
| رشته تحصیلی و سابقه مشارکت | | ۹ | ۱۴/۵۵۵ | ۰/۱۶۴ |
| مدرک تحصیلی و سابقه مشارکت | | ۹ | ۸/۱۷۵ | ۰/۵۱۷ |

جامعه و ایجاد شرایط لازم برای داشتن مادران سالم در جامعه خواهد بود. از طرفی برای اینکه کلیه افراد جامعه بتوانند بدنی سالم داشته باشند و با افزایش سن دچار فقر حرکتی و کم حرکتی و از کار افتادگی نشوند نیاز است تا در مراحل مختلف زندگی به طور موثر و مطلوب از آمادگی جسمانی در حد اولیه برخوردار باشند. باتوجه به این که حدود نیمی از جمعیت کشورمان را زنان تشکیل می‌دهند، و به اذعان همه روانشناسان اجتماعی و کارشناسان فن، جامعه سالم بر پایه خانواده‌ی سالم بنا نهاده شده می‌شود و رکن اصلی خانواده را نیز زنان و مادران تشکیل می‌دهند بنابراین برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های ورزشی بانوان از دیدگاه‌های مختلف باید از ظرافت و روش‌های ویژه‌ای برخوردار باشد (توماس و آمی ۲۰۰۰).

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین عوامل بازدارنده و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بانوان معلم شهر مرند ارتباط منفی و معنی داری وجود دارد. که با

نتایج حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد که بر اساس X² (خی دو) محاسبه شده بین میزان سابقه ورزشی با سن، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی بانوان معلم ارتباط معنی داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

جایگاه زنان در ورزش، حتی در وضعیت برابری سایر شرایط، پایین تر از جایگاه مردان بوده است از طرفی شاخص مشارکت زنان عامل قابل تاملی در اندازه گیری توسعه یک کشور می باشد که خود نشان دهنده اهمیت موضوع بررسی مشارکت زنان در ورزش می باشد. بنابراین اقدام نسبت به شناسایی موانع بازدارنده مشارکت ورزشی این قشر به سیاستمداران و قانونگذاران کمک می کند که با سیاستگذاری‌های هدفمند و مدون راه‌های مقابله با موانع مذکور در جهت حضور هر چه بیشتر زنان در عرصه ورزش فراهم آید که پیامد این امر رشد و توسعه بانوان در

نتایج تحقیقات میرزاخانی (۱۳۸۷)، کلمن و همکاران (۲۰۰۸)، اسوریکا و مایر (۲۰۱۲) همخوانی دارد. بطور حتم با هموار کردن عوامل بازدارنده توسط مسئولین ذی ربط آموزش و پرورش میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم افزایش پیدا کرده و در نهایت با افزایش سلامتی و روحیه دبیران روند و کیفیت تدریس در مدارس افزایش پیدا کرده و درصد موفقیت در زمینه آموزش نیز بهبود پیدا خواهد کرد. هر چه میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم افزایش پیدا کند توانایی جسمی آنان افزایش پیدا کرده و پرتلاش و با انرژی به امر تدریس خواهند پرداخت و با افزایش میزان مشارکت بر تیپ بدنی آنان تاثیر مثبت خواهد گذاشت که باعث ایجاد اعتماد به نفس آنان خواهد شد. نتایج نشان داد که عوامل شخصی (ضعف عضلانی، چاقی، بیماری، خستگی روحی و روانی) در میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم تاثیر چندانی ندارد. که این امر نشان دهنده رشد تفاوت ویژگی‌های فردی بانوان معلم و تفاوت در خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده عقاید و ایده‌ها در بانوان معلم را دارد. این یافته با نتایج تحقیق اسوریکا و مایر (۲۰۱۲) همسو نیست. نظر به اینکه ویژگی‌های شخصیتی افراد در رویارویی با هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌تواند پاسخ‌های متفاوتی را دربر داشته باشد، تصمیم‌گیری در مورد این ویژگی‌ها نمی‌تواند یک تصمیم‌گیری کلی و همه‌گیر باشد، لذا عدم ارتباط عوامل شخصی و میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم به نوعی قابل ملموس و طبیعی است. نتایج نشان دهنده وجود ارتباط منفی و معنی‌دار بین عوامل روانشناختی (نداشتن علاقه به فعالیت ورزشی، ترس از آسیب جسمانی، بی‌حوصلگی، تنبلی و بی‌ارادگی، نگرانی از آسیب به اعتقادات مذهبی) با میزان مشارکت ورزشی بانوان معلم می‌باشد. این مسئله بایستی مورد توجه خانواده‌ها و احاد جامعه قرار گیرد که گاهی نگاه‌های نگران‌کننده در اجتماع مسیرهای رفتاری متفاوتی را می‌تواند به وجود آورد که یکی از این مسیرهای

رفتاری، عدم مشارکت در ورزش می‌باشد. نتایج نشان داد بین عوامل اجتماعی و فرهنگی (داشتن مسئولیت در خانه، خستگی ناشی از کار، اولویت ندادن ورزش در برنامه روزانه، متغیر بودن شیفت کاری، مخالفت خانواده، کم ارزش دانستن فعالیت‌های بدنی و ورزشی، ترس از تمسخر دیگران، نبودن فرهنگ ورزش کردن بانوان در جامعه) با میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بانوان معلم ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. متغیرهای رفتاری افراد در جوامع به طور حتم ریشه در ساختار فرهنگی و اجتماعی همان جامعه را دارد. زمانی که افراد در اجرای کارهای روزمره روندی احساسی و همرنگ شدن با بقیه افراد جامعه را دارند و هر گونه ناهماهنگی با بقیه را نوعی انزوا می‌دانند، بنابراین توجه به ساخت فرهنگی بسیار مهم و ضروری است و نشان می‌دهد این عوامل تاثیر شگرفی در مشارکت ورزشی دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین عوامل اقتصادی و مالی (هزینه رفت و آمد به کلاس‌های ورزشی، مشکلات مالی خانواده، بالا بودن شهریه کلاس‌های ورزشی) و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. که با نتایج تحقیق اسوریکا و مایر (۲۰۱۲) همخوانی ندارد. بانوان معلم شاید به علت استقلال مالی و اقتصادی که در زندگی روزمره خود دارند، عامل اقتصادی و مالی را یک عامل بازدارنده برای مشارکت خود در ورزش نمی‌دانند. بنابراین این عدم ارتباط در کاربرد این پژوهش برای بانوان معلم نشانه‌ای مثبت و خوب است و به نوعی اعلام آمادگی بانوان معلم برای هزینه در انجام فعالیت‌های بدنی برای داشتن یک زندگی پرنشاط و مفرح را دارد. نتایج پژوهش حاکی از ارتباط منفی و معنی‌دار بین عوامل مدیریتی (عدم توجه مسئولین به فعالیت‌های بدنی و ورزش بانوان، عدم تناسب بین ساعات خالی سالن‌ها و اوقات فراغت بانوان، نبود ساعاتی مشخص برای انجام فعالیت ورزشی، فعال نبودن واحد تربیت بدنی منطقه محل سکونت) و میزان مشارکت

بودن سن بر میزان مشارکت ورزش بانوان معلم تاثیری ندارد که به نظر می‌رسد که زنان معلم با نداشتن دغدغه فکری تامین مادی و خرید مسکن و سایر مشکلات مادی و همچنین چون بیشتر مستعد پوکی استخوان هستند، در هر سنی احساس نیاز بیشتری به ورزش کردن می‌کنند و مشارکت بیشتری را در فعالیت‌های ورزشی دارند.

نتایج این تحقیق با بخشی از نتایج حاصل از تحقیقات میرزاخانی (۱۳۸۷)، سید جعفری (۱۳۸۹)، کریمیان و همکاران (۱۳۹۰)، کلمن (۲۰۰۸)، لی یو و همکاران (۲۰۱۱) همخوان و همسو است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که با بیشتر شدن عوامل بازدارنده، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کاهش می‌یابد و از شرکت بانوان معلم در ورزش جلوگیری می‌شود. لذا مسئولین آموزش و پرورش باید به این امر توجه خاص داشته باشند. با توجه به اینکه بانوان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند بخصوص بانوان معلم که علاوه بر تربیت فرزندان خود و کار خانه بایستی در محیط مدرسه هم در امر آموزش و هم در زمینه تربیت نسل بعدی جامعه فعال باشند. امروزه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد کسب نشاط و احساس لذت، تناسب اندام و تعاملات اجتماعی انگیزه شرکت در فعالیت و مشارکت اجتماعی موثر است. لذا با شناسایی عوامل بازدارنده موجبات مشارکت بیشتر بانوان معلم را فراهم می‌آورد و شرایطی محیا می‌کند با کاهش عوامل بازدارنده شرایط حضور افراد در فعالیت ورزشی بیشتر شود. بنابراین جهت افزایش مشارکت معلمان زن در فعالیت‌های ورزشی، ضروری است که مدیران و مسئولین امر برای تعدیل و به حداقل رساندن عوامل بازدارنده از نظر اقتصادی، ایجاد امکانات و فرصت‌های شرکت در فعالیت‌های ورزشی متناسب با توانایی مالی معلمان خود، برنامه ریزی نمایند. علاوه بر آن با فرهنگ سازی و ایجاد بسترهای مناسب

در فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که اهمیت برنامه‌ریزی دقیق بر مبنای نیازها و علایق ورزشی بانوان معلم امری است که باید از سطوح مدیریتی بالا توجه ویژه به آن شود. اجرای برنامه‌های سلیقه‌ای که هیچ امکان سنجی در آن صورت نگرفته است، فقط شکست در پروژه‌های ورزشی و به طبع آن ناکامی در رسیدن به اهداف ورزش همگانی است. نتایج نشان داد که بین عوامل امکانات و تجهیزات (در دسترس نبودن تجهیزات و وسایل ورزشی، نبود فضای ورزشی خاص بانوان، نبود سالن و فضای ورزشی در نزدیکی محل سکونت، نبود فضای ورزشی تفریحی، دور بودن اماکن ورزشی شهر) با میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بانوان معلم ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه نشان دهنده اهمیت اماکن ورزشی ویژه بانوان، وسایل و تجهیزات ورزشی که ابزار انجام فعالیت‌های ورزشی هستند می‌باشد و نبود و نقص آن‌ها باعث اختلال در اجرای صحیح تمرینات و حرکات ورزشی می‌شود. آشکار است که ابزار و امکانات مطلوب‌تر باعث تسهیل فرایند یاددهی و یادگیری می‌شود. امکانات و فضاهای ورزشی مناسب می‌تواند عامل موثری برای ایجاد انگیزه مناسب باشد. این یافته با نتایج تحقیقات میرزاخانی (۱۳۸۷) و کلمن (۲۰۰۸) همخوانی دارد. نتایج نشان داد که بین بانوان معلم بر اساس مقاطع سه گانه تحصیلی در مورد عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی تفاوت معناداری وجود ندارد. البته ماهیت این نتیجه را می‌توان در ماهیت هماهنگ و یک‌رنگ فرهنگ آموزش و پرورش یافت. این نتیجه نشان می‌دهد که عوامل بازدارنده نمی‌تواند نسبت به مقاطع آموزشی متفاوت باشد. همچنین نتایج نشان دهنده عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و سابقه ورزشی با عوامل دموگرافیک بانوان معلم (سن، مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی) می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که بالا یا پائین

ریزی، سازماندهی، ایجاد انگیزه در کارکنان و کنترل و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های اتخاذ شده در این رابطه می‌باشد.

فرهنگی و اجتماعی، زمینه لازم را برای مشارکت هر چه بیشتر کلیه معلمان زن در فعالیت‌های ورزشی فراهم کنند تا بدین وسیله سلامت جسمانی و روانی معلمان بهبود و بهره‌وری آنان افزایش یابد. در این راستا نیاز به برنامه

منابع

- باقرزاده، فضل‌الله، حمایت طلب، رسول (۱۳۸۱)، بررسی علل عدم شرکت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در فعالیت‌های ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، نشریه حرکت، شماره ۱۱، ص ۲۳-۳۱
- خدادادی، محمد رسول، محرم زاده، مهرداد، قربان زاده، بهروز (۱۳۸۷)، بررسی سلامت روانی و فاکتورهای آمادگی جسمانی دبیران مقاطع متوسطه شهرستان مرند، خلاصه مقالات اولین همایش تخصصی تربیت بدنی و علوم ورزشی، آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، دی ماه ۸۷
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۰)، تاثیر و جایگاه مشارکت مردمی در تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر، همایش تعیین جایگاه تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر، وزارت آموزش و پرورش معاونت تربیت بدنی و تندرستی، ص ۸۹-۳۳۳
- کریمیان جهانگیر، فیضی آوات، جوانی وجیهه، شکرچی زاده پریش، ترکیان سمانه (۱۳۹۰) تعیین الگوی عوامل بازدارنده از مشارکت در فعالیتهای ورزشی کارکنان بیمارستانهای آموزشی شهر اصفهان بر اساس مدل سلسله مراتبی اوقات فراغت. مجله تحقیقات نظام سلامت شماره ۴
- میرزاخانی، ناهید (۱۳۸۷)، وضعیت مشارکت ورزشی بانوان معلم شهرستان شازند، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- نادریان، مسعود (۱۳۸۸)، بررسی رابطه انگیزه با موانع مشارکت در زنان شهر اصفهان، معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان، طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان
- هاشمی، هاجر (۱۳۸۵)، بررسی عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند و ارائه راهکارهای موثر در این زمینه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوارسگان اصفهان

Amy. L , Hym. S, Carruthers. B, James. T (2000), The influence of perceived competence activity importance and barriers on adolescents leisure participation, *Joperd*, volume 300, p: 125-200

Asorika. R, Mayer.n (2012), Evaluation of gender equity program implementation in Limpopo provincial department of sport, Arts and culture, URL: <http://hdl.handle.net>

Bush, Loren (2001), Environment may play role in whether youth benefit from sports participation, *Journal physical activity*, Vol 20, No 2, pp: 69-82

Flannagan, Kerry (2002), Gender barriers in sport, woman sport and film student paper, *Research Quarterly for exercise and sport*, 74, No 3, pp: 313-319

Hobgood, Cyntia (2005), Fit for life, *Trinity Magazine*, Volume 26, Issue 1, No. 1, pp: 134-139, march 2005

Kelman. S , Sarker. N, Yozart. H (2008), Social influences in sports activity among adolescents, The Journal of the royal society for the promotion of health: jon 2008; 128, 1, Academic research library

Lichti. F & Zaberkeski. G (2009), Trends in physical activity behaviors and attitudes among South Australian youth between 1985 and 2005: Journal of science and medicine in sport 10, 418-427

Thomas. F, Pamel. N, Jill. R (2000), Why do woman exercise? Factors analysis and further validation of the reasons for exercise inventory perceptual and motor skills, 78,

Wal set, Katrina (2010), The role of law in promoting woman in elite athletics, An examination of four, doi : 10.1177/1012690209353088 International review for the sociology of sport, March 2010, v01 45, No 1, 13-21



Investigation barriers of sports participation of woman teachers in Three levels of educational in city of Marand

jaafar qahremani ¹, Mehrdad moharramzadeh ², Sheida Saeidy ^{3*}

(Received: 10 Jun 2013

Accepted: 23 October. 2013)

Abstract

The purpose of this study is to examine the effective barrier factors on participation number of woman teachers of three levels of education about sport activities of Marand in order to introduce suitable solution. The study is descriptive one-correlation typical one and has been done as typical field. The population of research was 491 cases of woman teachers in three educational levels of Marand. The volume of statistical type of this society have 215 persons. The standard barrier factors questionnaire as used with validity which is confirmed by experts and its reliability has been verified and personal information questionnaire. The data analysis has been done by the usage of average descriptive statistical and standard deviation and is the hypothesis research test is used from Spearman correlation coefficient, K-V test and chi-square. The results of research indicate that there is significant negative relationship between barrier factors and sports participation number of woman teachers, but there is no significant relationship between two small barrier scale (personal, economics and financial) and sports participation. Also there is no significant relationship among woman teachers of three educational levels (primary, guidance and high school) in participation number of sport activities and every one of participation barrier factors one sport activities. Finally there is no considerable relationship among participation numbers on sport activities and age, educational field and degree and also among sport history number, educational field and degree. Generally we can conclude that increasing the barriers to diversity, participation in sports, falls and sports teacher can prevent women from participating. Therefore the authority's attention to reduce the use of targeted programs and policies systematically can provide Women's participation in physical activity and facilitate the development and growth of the community.

Keywords

woman teachers, sport participation, social and cultural factors, economical and financial factors.

1. Assistant Professor in Sport Management, Islamic Azad University , marand branch

2. Associated Professor in Sport Management, Urmia University

3. M.A of Sport management, Urmia University

Email: saeidy_sh@yahoo.com